

افغانستان در مسیر تاریخ



میر غلام محمد غبار

www.ketab.ir

سرشناسه	: غبار، غلام محمد، ۱۲۷۴-
عنوان و نام پدیدآور	: افغانستان در مسیر تاریخ/میرغلام محمد غبار.
مشخصات نشر	: قم: دارالتفسیر، ۱۳۹۰-۱۳۹۰.
مشخصات ظاهری	: ج ۳
شابک	: دوره: ۹-۲۷۲-۵۳۵-۹۶۴-۹۷۸؛ ج ۳: ۹-۲۷۲-۵۳۵-۹۶۴-۹۷۸
یادداشت	: فهرست‌نویسی بر اساس جلد سوم، ۱۳۹۰.
یادداشت	: کتاب حاضر در سالهای مختلف توسط ناشرین متفاوت به چاپ رسیده است.
یادداشت	: واژه‌نامه .
موضوع	: افغانستان -- تاریخ
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۰ ی غ الف ۷/DS۳۵۶
رده بندی دیویی	: ۱/۹۵۸
شماره کتابشناسی	: ۲۳۷۹۸۷۸

افغانستان در مسیر تاریخ / ج ۳

نویسنده : میرغلام محمد غبار

ناشر : دارالتفسیر

صفحه‌آرایی : ر. محمدی

نوبت چاپ : اول / ۱۳۹۰

چاپ : صدر

تیراژ : ۲۰۰۰

قیمت : ۱۰۰۰۰ تومان

شابک : ۹-۲۷۲-۵۳۵-۹۶۴-۹۷۸

فهرست

۹.....	مقدمه
۱۵.....	پیشگفتار
۱۹.....	فصل اول / بقیه عکس العمل ارتجاع ۱۳۰۸ شمسی، می ۱۹۲۹ - ۱۵ اکتبر ۱۹۲۹
۱۹.....	یکم: حکومت اغتشاشی حبیب الله کلکانی (بیجهی سقا) بعد از سقوط دولت امانیه
۲۴.....	دوم: سقوط حکومت اغتشاشی
۲۷.....	جبهه‌ی پاکتیا
۴۱.....	فصل دوم / استقرار ارتجاع و اختناق و مبارزات مردم ضد آن ۱۳۰۸ - ۱۳۱۲ شمسی (در زمان سلطنت محمد نادرشاه: ۱۶ اکتبر ۱۹۲۹ - ۸ نومبر ۱۹۳۳)
۴۱.....	یکم: فضای سیاسی
۴۳.....	دوم: محمد نادرخان که بود و چگونه سلطنت را به دست آورد؟
۴۶.....	محمدنادر خان در حزب دربار
۵۳.....	محمدنادرخان در دولت جدید امانیه
۵۷.....	طرد محمدنادر خان از امور دولت
۵۹.....	و اما محمدنادر در دوره‌ی اغتشاش افغانستان
۶۳.....	سوم: نظر مردم افغانستان نسبت به دولت نادرشاه
۶۸.....	چهارم: خصلت و ماهیت رژیم نادرشاه
۷۴.....	پنجم: تشکیل و مرام حکومت
۸۵.....	کابینه اصلی ارگ و کابینه فرعی
۹۰.....	ششم: دهشت و ترور در افغانستان

۹۱	نادرشاه و محمدولی خان
۱۰۹	دولت نادرشاه و مردم ولایات شمال
۱۱۸	حکومت نادرشاه و مردم پاکستان
۱۲۰	هفتم: اوضاع اجتماعی، اقتصادی و سیاسی کشور در دوره اختناق و ارتجاع در ساحه معارف
۱۲۵	در ساحه مطبوعات
۱۳۰	وضع اقتصادی و اجتماعی
۱۳۲	سپاه
۱۳۳	سیاست خارجی
۱۴۳	سیاست داخلی
۱۴۳	جرگه
۱۴۹	شورای «ملی»
۱۵۰	قانون اساسی
۱۵۱	دربار
۱۵۶	هشتم: مبارزه مردم و روشنفکران ضد ارتجاع و اختناق دولت نادرشاه
۱۶۱	علل مبارزه
۱۶۱	دولت نادرشاه و روشنفکران
۱۶۲	مبارزه از خارج
۱۶۴	غلام نبی خان چرخي
۱۶۸	قیام مردم درخیل جدران و پشتیبانی مردم وزیرستان
۱۷۱	ادامه مبارزه روشنفکران
۱۷۸	مبارزه در داخل
۱۸۲	کشته شدن برادر نادرشاه
۱۸۸	انواع مبارزه روشنفکران
۱۹۵	زندان های سیاسی
۱۹۵	زندان سرای موتی
۲۰۱	زندان ده مزنگ
۲۰۴	ادامه زندان سرای موتی
۲۱۰	زندان های کوتوالی

۲۱۴	و اما زندان ارگ شاهی.....
۲۱۵	نتیجه‌ی مبارزات روشنفکران.....
۲۱۶	ترور در سفارت‌خانه انگلیس.....
۲۲۰	کشته شدن نادرشاه.....

فصل سوم: دوام مطلقیت و استبداد ۱۳۱۲-۱۳۲۵ شمسی (در زمان حکومت محمدهاشم خان

۲۲۳	می ۱۹۴۶- نوامبر ۱۹۳۳).....
۲۲۳	یکم: تبدیل سلطنت سه برادر به حکومت دو عمو (یا دو برادر).....
۲۲۶	دوم: کشتار دسته‌جمعی.....
۲۴۲	سوم: چهره‌ی دیگر خانوادگی حکمران.....
۲۴۷	چهارم: روش دولت.....
۲۴۷	سیاست خارجی.....
۲۴۸	و اما سیاست داخلی.....
۲۴۹	تبعیدگاه‌های سیاسی در روستاهای دوردست کشور.....
۲۵۳	تصویری از یک روستای دوردست در تبعیدگاه سیاسی.....
۲۶۶	و اما کشته شدن تبعیدشدگان.....
۲۶۶	پنجم: اوضاع اقتصادی و اجتماعی.....
۲۷۶	ششم: در دوران جنگ جهانی دوم ۱۳۱۸-۱۳۳۴ شمسی (۱۹۴۵-۱۹۳۹).....

فصل چهارم / تغییر اوضاع اجتماعی و مبارزات سیاسی دموکراتیک و ملی ۱۳۲۵-۱۳۳۲

۲۸۹	شمسی (در زمان حکومت شاه محمود خان: می ۱۹۴۶- سپتامبر ۱۹۵۳).....
۲۸۹	یکم: حکومت برزخ (زوال حکومت محمدهاشم خان و تبارز ظاهرشاه).....
۳۰۰	دوم: اوضاع اقتصادی.....
۳۰۳	پروژه‌ی هلمند.....
۳۰۸	سوم: سیاست خارجی.....
۳۰۸	و اما مناسبات با کشورها.....
۳۰۸	مناسبات با اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی.....
۳۰۹	مناسبات با ایالات متحده آمریکا.....
۳۱۰	مناسبات با دولت انگلیس.....

۳۱۱	مناسبات با سایر دول
۳۱۱	مناسبات با پاکستان
۳۲۴	چهارم: تشدید مبارزات سیاسی (تشکیل احزاب سیاسی و مبارزات پارلمانی)
۳۲۷	حزب ویش زلمیان
۳۳۰	حزب دولتی «دیموکرات ملی»
۳۳۱	مراومه‌ی حزب دیموکرات ملی
۳۳۳	حزب وطن
۳۳۵	متن تشکیلات حزب
۳۴۷	حزب خلق
۳۴۸	مراومه‌ی حزب خلق
۳۵۳	حزب سری اتحاد
۳۵۶	اتحادیه محصلین کابل
۳۵۷	مبارزات پارلمانی شورای ملی دوره‌ی هفتم: ۱۳۳۸-۱۳۳۰ (۱۹۵۱-۱۹۴۹)
۳۶۵	بلدیه‌ی انتخابی کابل
۳۶۵	تظاهرات انتخاباتی در شهر کابل
۳۶۸	و اما تأثیر این جنبش‌های سیاسی در کشور
۳۷۱	پیوست‌ها
۳۷۱	یکم: سوانح مختصر و آثار میرغلام محمد غبار
۳۷۱	الف- سوانح مختصر غبار
۳۷۸	ب- آثار غبار
۳۷۸	سرگذشت چاپ جلد اول کتاب افغانستان در مسیر تاریخ
۳۸۴	دوم: تبصره منابع خارجی هنگام وفات غبار
۳۸۴	۱- خبر رادیو «بی بی سی» به تاریخ ۶ حوت ۱۳۵۶
۳۸۵	۲- خبر روزنامه‌ی اطلاعات، تهران
۳۸۷	فهرست اعلام
۳۸۷	اسامی
۴۰۳	اماکن
۴۱۱	قبا

مقدمه

افغانستان، کشوری است که از بدو پیدایش همیشه، در دستان استعمار خارجی و استبداد داخلی اسیر بوده و تمام سیاستها و برنامه‌هایش از خارج تنظیم می‌شده است. استعمار پیر انگلیس که شبه قاره‌ی هند را جولانگاه خویش قرار داده بود، و خون ملت‌های منطقه را می‌نوشید، در افغانستان حاکم مطلق بود و حکومت‌های حاکم بر افغانستان، نوکران سرسپرده‌ی او بودند، و بدون نظر و رأی او نمی‌توانستند حتی در زندگی شخصی و خانوادگی خود تصمیم بگیرند.

سیاست خارجی افغانستان، و حتی روابط داخلی بین دولت و ملت را دولت بریتانوی هند که زیر نظر مستقیم انگلستان اداره می‌گردید، تعیین می‌گردید، تعیین می‌کرد. تمام حرکات، دولتهای حاکم بر افغانستان، زیر ذره‌بین دولت بریتانوی هند قرار داشت، و هندی‌ها فعال ما یشاء در افغانستان بودند؛ و زمام‌داران افغان، در داخل خانه‌ی خود، از آنها حساب می‌بردند.

مردم افغانستان، که در تاریخ درخشان خود، علیه متجاوزین قیام کره و آنها را با خفت و خواری از کشور بیرون کرده‌اند، در مورد بریتانیا نیز چند بار، این استعمار پیر را با رشادت و فداکاری و ایثارگری، از افغانستان بیرون نمودند. این مردم، در جبهه‌های جنگ، همیشه بر متجاوزین پیروز بودند، ولی در صحنه‌های سیاسی،

استعمار توسط نوکران حلقه به گوش خود دارد، و کشور افغانستان را به بند کشیده‌اند.

رژیمهای نوکر و بی‌ریشه که فقط، استعمارگران و اربابان خود را می‌شناختند آن هم اربابان دسته دوم و سوم، و با ملت رشید افغانستان بیگانه بودند، تمام فشارهای خود را علیه دولت به کار می‌گرفتند و فشارهای سیاسی و اقتصادی را بر مردم تحمیل می‌نمودند. در داخل، دست عمال حکومت، برای فشار آوردن، بر مردم آزاد بود؛ انواع فشارها توسط عوامل حکومت بر مردم وارد می‌گردید. تمام مصارف و هزینه‌های زندگی شخصی، رجال مملکت از مردم گرفته می‌شد. مالیات‌های کمرشکن، از زمین، اموال و غیره اخذ می‌گردید. علاوه بر این‌ها، مالکان بزرگ، و خوانین و اربابها، مستقیماً برای تأمین خواسته‌های خود و مخارج زندگی بالای دهقانان و مردم کم‌زمین و بی‌زمین و مالداران و پیشه‌وران و کسبه‌کاران خرده، فشار می‌آوردند و دست‌شان باز بود و هیچ‌گونه پرسشی از سوی دولت نمی‌شد، و بدین سان طبقات مذکور تحت فشار عمال دولت و خوانین و اربابها و ملاکین بزرگ کوفته می‌شد و از هستی ساقط می‌گردید. مردم هیچ راه چاره‌ای نداشتند و هر آوازی را در گلو خفه می‌کردند. و هر کسی صدای اعتراضی را بلند می‌کرد، جاییش زندان بود؛ زندانهای مخوف «ده‌زنگ»، «سرای موقی»، «زندان ارک»، «قلعه کوتوالی» و... مدیحه‌سرایان و جیره‌خواران حکومت بود، که برای لقمه نانی، به مدح حکومت زبان می‌گشودند و ثناخوان بیدادگران بودند. تجار، ملاک، ارباب، خوانین و ملاهای ضد دین از حامیان اصلی دولت به حساب می‌آمدند. در چنین اوضاع خفقان‌آور و پلیس که جای نفس کشیدن نبود، جوانان نترس، شجاع، وطن‌پرست و بی‌پروا و بدون ملاحظه‌ی خطرات و عواقب آن، دست به مبارزه زدند و برای آزادی و گرفتن حق ملت از بیدادگر، علیه حکومت به پا خواستند.

در برلین سیدکمال خان، شجاعانه، جان سردار عزیزخان، پدر داود خان را که

نادرخان را نشانه رفت، و در سفارت انگلیس در کابل، به عنوان اعتراض محمدعظیم خان منشی‌زاده، چند نفر را هدف گلوله آتشین خود قرار داد، تا به استعمار نشان دهد که ملت افغانستان زنده است. در همین هنگام، غبارها، سرور جویاها، محمودی‌ها و دهها مبارز دیگر به عنوان حق‌خواهی و برای به دست آوردن حق ملت، در زندان‌های سرای موتی، کوتوالی، ارگ، دهمزنگ و... زیر بدترین فشارها و شکنجه‌ها به سر می‌بردند. دولت با تمام قدرت و امکانات، بر مبارزین ملی فشار می‌آورد که آنها را یا با خود هماهنگ سازند و یا به چوبه‌های دار و دهان توپ بسپارند و یا با زندانی دوام دار صدای آنها را برای همیشه خاموش سازند.

اما این خواست دولت، هرگز برآورده نشد و مبارزین تسلیم نگردیدند. البته عده اندکی که اراده‌ی سست داشتند، حکومت با تخویف و تطمیع، توانست آنها را با خود همگام سازد و جزء مدیحه‌سرایان دربار قرار گیرند؛ اما بسیاری وطن‌پرستان واقعی، با دولت همکاری نکردند و تا آخرین لحظه‌ی زندگی به محاصمت و عناد خود ادامه دادند. یکی از کسانی که هیچگاه تسلیم دولت نشد و به خواسته‌های حکومت پاسخ مثبت نداد، مرحوم میرغلام محمد غبار است. غبار از جوانی، از آن روزهای که وارد زندگی سیاسی، اجتماعی گردید تا آخرین لحظه‌های زندگی، در بیمارستانی در برلین علیه حکومت‌های بیدادگر و مزدوران استعمار دست از مبارزه نکشید، با اینکه برای او امکان بالای همکاری و استفاده بردن، از حکومت وجود داشت، او دست زد بر سینه‌ی حکومت زد. زمانی که غبار سکرتر اول سفارت افغانستان در پاریس بود و نادرخان سفیر، در دوران امان‌الله خان، پس از سرکار آمدن نادرخان، نادرخان او را خواست تا با حکومت او همکاری کند، اما غبار با اینکه می‌دانست در نپذیرفتن حرف نادرخان احتمال اعدام وجود دارد، حرف نادرخان را قبول نکرد. غبار راه ملت و بودن در کنار ملت را انتخاب کرد. پس از این درخواست، باز به زندان برگشت. غبار در زندگی خود هیچ روزی آزاد نبود، یا در زندان و یا در تبعید، در فراه، قندهار، زمین داور و... ولی در هر جا بود در حال تکاپو و تلاش و کوشش

برای ارتقاء دانش و کار کردن برای مردم بود. او با بهره‌گیری از زندان و تبعید، بیشتر به دردها و رنجها و آلام و مصایب مردم آشنا شده، بر ایمانش بر مقاومت علیه حکومت افزوده می‌گردید.

حکومت که از دست مقاومت و سرسختی غبار درمانده شده و یک‌دندگی او بر ادامه‌ی مبارزه حکومت را بیچاره نموده بود؛ او راه حبس خانگی محکوم کرد. غبار در طی بیست سال حبس خانگی توانست درخت تنومندی را بنشاند و با آن در گستره تاریخ افغانستان، حکومت‌های مزدور را رسوا سازد.

درخت غبار «افغانستان در مسیر تاریخ» بود، افغانستان در مسیر تاریخ، کتابی هست که از درد و رنج ملت، از بیدادگریهای حکومت‌ال‌یحیی و از مقاومت و دلاوریهای ملت رشید افغانستان و از نامردیها و نامردمی‌های که بر این ملت قهرمان رفته است، سخن می‌گوید.

غبار در این کتاب، استعمار بریتانوی را نه تنها در افغانستان بلکه در شبه قاره هند و آسیا رسوا ساخته است. غبار یکی از شخصیت‌های مبارزی است که درس مبارزه و مقاومت و راههای مقابله با حکومت‌های ضد مردم را به نسل‌های پس از خود داده است و نیز به نسل جوان پس از خود با صدای رسا فریاد کرده است که راه شرافتمندی و انسان‌زیستن، ایستادن در برابر رژیم‌های خودکامه و بیگانه از مردم است.

اکنون کتابی که در دست ماست، جلد دوم افغانستان در مسیر تاریخ است که تداوم همان جلد اول و بیان دردها، رنجها و گرفتاریهای ملت زجر کشیده‌ی افغانستان است که از دست حکومت نادرخان و برادران او هاشم خان و شاه محمود خان و اسلاف آنها کشیده است. غبار در تصویر آنچه بر ملت افغانستان در دوره آل یحیی رفته است تصویرگری بی‌نظیر است و چنان به اوضاع و احوال مردم و کشور پرداخته است که گویی همه‌ی آنها بر خود او گذشته است. غبار در حالیکه به

جزئیات حوادث پرداخته از تحلیل و تعلیل قضا یا و ریشه‌یابی دقیق مسائل غافل مانده است؛ این است که کتاب او را برجسته می‌سازد.

غبار انسان متعهد، با ایمان، صادق و راستگو و درستکار بود؛ او هیچ گاه، حتی با دشمن و رقبای خود منافقانه رفتار نکرد؛ او عاشق مردم خود بود، و به همین جهت تا آخر مردمی بود، مردمی زیست و همیشه در کنار مردم و به یاد و نام آنها دیده از جهان پوشید. درود خدا بر او باد.

برادر ارجمند جناب آقای احمدحسین احسانی که خود یکی از آن مردم تحت ستم حکومت‌های استبدادی گذشته می‌باشد، انسانی است که اهل فرهنگ و دوست‌دار فرهنگ در اوضاع و شرایطی که مردم سرمایه‌های خود را به کارهای زودبازده به کار می‌گرفتند و می‌گیرند، برادر ما در گذشته اقدام به چاپ کتابهای تاریخی افغانستان نموده که می‌توان افغانستان در مسیر تاریخ جلد اول، سیری در هزاره‌جات، افغانستان در پنج قرن اخیر، تاریخ سیاسی افغانستان، تاریخ مشروطیت و... را نام برد. همه می‌دانند که سرمایه‌گذاری روی چاپ کتاب سودی به آن صورت ندارد و اگر داشته باشد زود بازده نمی‌باشد ولی ایشان به خاطر همان علاقه‌ای که به نشر فرهنگ وطن دارند، اقدام به چاپ تاریخ افغانستان کرده‌اند و اکنون نیز از بنده خواستند، با همه‌ی مشکلات چاپ و نشر، دستی به این کتاب بکشم تا آماده چاپ گردد، لذا بنده اقدام به بازبینی آن نمودم و اگر پس از این تحقیق، اشتباهاتی برجای مانده باشد، از من خواهد بود؛ از دوستان می‌خواهم که با اغماص عین تذکر لازم را بدهند، تا در چاپهای بعدی نواقص برداشته شود.

سید حمیدالله جعفری دره صوفی

۱۳۹۰/۲/۲۶